

رازهای پنهان زیستی حضرت مهدی (عج)

<?xml encoding="UTF-8">

پنهان زیستی آخرین پیشوای شیعیان پدیده ای است - که به این صورت - هرگز در تاریخ رخ ننموده و طبیعی است که ذهن کاوشگر انسان همواره این پرسش را مطرح کند که چرا چنین رخدادی روی داده است؟ اگر چه این پرسش اولین پرسش از امور پنهان از فکر بشر نیست و آخرین نیز نخواهد بود، ولی بطور قطع در شمار پرسش های مهم عصر حاضر و گذشته به حساب می آید . اگر چه پاسخ گویی به آن تنها با استناد به کلام ارزشمند بزرگان دین و به ویژه معصومین علیه السلام امکان پذیر است و ما نیز در این نوشتار کوتاه با گلگشتی در بوستان کلام ایشان برخی از حکمت های آن را به تفسیر می نشینیم .

1 - غیبت سری از اسرار الهی

بدون شک پنهان زیستی آخرین ذخیره الهی به طور قطع از اسرار الهی است که پرنده اندیشه و فکر را توان پرواز در آن آسمان رفیع نیست و تنها انفاس قدسی مقربان درگاه حق است که گاه گوشه ای از پرده اسرار را به کناری زده - در حد ظرفیت و شان فهم مخاطب - حقایقی را آفتابی می کند . رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حقیقت این امر را این گونه بیان فرموده است : «یا جابر ان هذا الامر من امر الله و سر من سر الله مطوي عن عباد الله فایاک و الشک فان الشک فی الله کفر» (1) «ای جابر! همانا این امر امری است از پروردگار و سری است از سر خداوند که بر بندگان پوشیده است، پس بر حذر باش از اینکه در آن شک کنی که در پایان منجر به شک در خداوند می شود و آن هم کفر است» . و نیز ششمین مهر فروزان سپهر ولایت به بیان دیگر حقیقت سر بودن غیبت امام مهدی را این گونه بیان کرده است .

«همانا برای صاحب این امر غیبتی است تخلف ناپذیر، هر جوینده باطلی در آن به شک می افتد و اجازه نداریم علت آن را بیان کنیم . حکمت آن همان حکمتی است که در غیبت های حجت های پیشین خداوند وجود داشت و پس از ظهور آشکار خواهد شد . آن گونه که حکمت های کارهای خضر از شکستن کشتی و کشتن پسر بچه و برپاداشتن دیوار، این ها وقتی برای موسی علیه السلام روشن شد که آن دو، از هم جدا شدند . غیبت امری است از امور الهی و سری است از اسرار و غیبی است از غیب های او و چون دانستیم خداوند حکیم است، تصدیق خواهیم کرد، تمامی کارهای او از روی حکمت است؛ حال اگر چه ما به تمامی اسراری کارهای خداوند پی نمی بریم» . (2)

2 - حفظ جان حضرتش از گزند کینه توزان

اگر چه حکمت نخست می تواند برای انسان های متعبد و زیرک کافی باشد، ولی گاه می شد افرادی با اصرار، تمام حکمت های این امر را از معصومین علیه السلام پرسش می کردند و روشن است ائمه معصومین علیهم السلام

علاوه بر در نظر داشتن حکمت اساسی که همان سر الهی است، به پاره ای علت های دیگر نیز اشاره می کردند که از جمله آن ها مصون ماندن حضرت از تعرض دشمنان کینه توز، بوده است . خداوند به وسیله پنهان ساختن آن حضرت، ایشان را از شر دشمنان در پناه گرفت . امام صادق علیه السلام در این باره فرمود : «ان للقائم غيبة قبل ان يقوم انه يخاف و اما بيده الي بطنه يعني القتل» (3) همانا برای قائم (عج) پنهان زیستی است قبل از آن که قیام نماید، چرا که او از کشته شدن هراس دارد (و حضرت صادق علیه السلام) با دست اشاره به شکم خود کرد، یعنی این گونه کشته شدن» البته این بدان معنا نیست که آن حضرت از شهادت و کشته شدن در راه خدا بیم دارد، بلکه به آن معناست که چون آخرین ذخیره الهی در زمین است و آن حاکمیت وعده داده شده در تمایم ادیان تنها به دست او صورت می گیرد، بنابراین خداوند او را طبق حکمت خود حفظ خواهد نمود . بنابراین یکی از علت های غیبت، همراهی نکردن کامل مردم با ائمه معصومین است .

3 - امتحان و آزمایش انسان ها

یکی دیگر از حکمت های الهی در غیبت آخرین امام می تواند امتحانات و آزمایش هایی باشد که در این دوران برای شیعیان پیش می آید و از آنجایی که این نوع آزمایش - به خاطر عدم حضور ظاهری امام - بسیار مشکل و طاقت فرساست، در تکامل انسان ها نقش بسیار مهمی دارد و در این بین است که سره از ناسره جدا شده، یاران راستین حق مشخص می شوند . اگر چه عده فراوانی از انسان ها از این امتحان بزرگ سرافکنده بیرون خواهند رفت .

هفتمین پیشوای شیعیان امام کاظم علیه السلام در این باره می فرماید : هنگامی که پنجمین فرزند از امام هفتم ناپدید شود؛ سپس خدا را (مواظب باشید) در دینتان، شما را از آن دور نسازند که صاحب این امر ناگزیر از غیبتی خواهد بود، تا کسی که به این امر قائل است از آن باز گردد، همانا آن آزمایشی از جانب خدا است که خداوند خلق خود را بدان وسیله می آزماید .» (4)

البته پرواضح است که کسانی که دارای مرتبه والایی از ایمان و عمل هستند، در این امتحان بزرگ سربلند خواهند بود و کسانی که دارای ایمان ضعیفی هستند، بیشتر دچار لغزش و هلاکت می شوند . امام صادق علیه السلام تبلور این حقیقت را در ضمن کلامی ارزنده این گونه بیان کرده اند : «و این چنین است مهدی (عج) که غیبتش طولانی می شود تا حقیقت محض آشکار شود و ایمان از پیرایه های آن خالص گردد، کسانی که طینت پلیدی دارند، مورد امتحان و آزمایش قرار می گیرند .» (5)

4 - آمادگی مردم دنیا

آمادگی و پذیرش دعوت از طرف مردم از اساسی ترین شروط حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است، چرا که عدم قبول مردم - اگر چه ذره ای در مشروعیت امام تاثیر نمی گذارد - ولی باعث کناره گیری امام از حاکمیت می شود و این درباره اغلب ائمه گذشته صورت گرفت و از آن جایی که قیام و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) امری حتمی و انکارناپذیر است، رسیدن جامعه به شرایطی که حضور و ظهور آن حضرت را با تمام وجود بر تابند، لازم و ضروری است . از این رو خداوند آن حضرت را تا روزی که تمامی شرایط فراهم آید در غیبت نگه خواهد داشت .

در برخي روايات آمده است آن حضرت با غيبت خود بر خلاف برخي ائمه پيشين - به خاطر شرايط ويژه - از بيعت با طاغوت هاي زمان آزاد مي شود .

اميرمؤمنان عليه السلام با نگاهی سراسر حسرت و اندوه، اعصار و ابصار را در نورديده عصر روشن حکومت مهدي (عج) را اينگونه به تصوير کشيده است .

«ان القائم منا اذا قام لم يكن لاحد في عنقه بيعة فلذلك تخفي ولادته و يغيب شخصه» (6)

همانا قائم از ما هنگامي که قيام کند، بيعت احدي بر گردنش نخواهد بود و بدین سبب است که داراي ولادتي پنهان و شخصي غايب است .

و البته همين معنا در کلامي نوراني از خود آن امام غائب آمده است . آن جا که در توقيعي شريف در ضمن پاسخگويي به مطلبي فرموده اند :

همانا کساني از پدران من نبوده اند، مگر اين که بيعتي از طرف حاکمان طاغي بر گردنشان آمده است و من قيام خواهم کرد در حالي که بيعت احدي را بر گردن ندارم . (7)

به اميد اين که با بتوانيم با سربلندي تمام، دوران غيبت را سپري کرده و لياقت حضور در محضر آن امام غايب را براي خود فراهم آوريم .

پي نوشت ها :

- 1 - شيخ صدوق، کمال الدين و تمام النعمة، مؤسسة النشر الاسلامي، قم، ج 1، ص 287 .
- 2 - شيخ صدوق، علل الشرايع، انتشارات مكتبة الداوري، ج 1، ص 245 .
- 3 - ابو جعفر محمد بن يعقوب الكليني، الكافي، دارالكتب الاسلاميه، ج 1 ص 34 و با اندكي تفاوت شيخ طوسي، كتاب الغيبة، مؤسسة المعارف الاسلاميه ص 329 .
- 4 - الكليني، الكافي، ج 1، ص 336 و علل الشرايع، ج 1، ص 244 و غيبت طوسي ص 166 و غيبت نعماني، ص 154 ج 11 و کمال الدين ج 2، ص 359 ج 1 .
- 5 - غيبت طوسي، ص 170 و کمال الدين، ج 2، ص 355 .
- 6 - کمال الدين، ج 1، ص 303 .
- 7 - شيخ طوسي، كتاب الغيبة، ص 290، و کمال الدين، ج 2، ص 483 ج 4 .